دقتی در مراعی بودن احکام روز ات زوال

شاگرد۲: اینکه استقرار احکام تا ظهر است، درست است ولی تمام مواردیکه در این مورد داریم در جای است که ماه مبارک ثابت است. مثل اینکه مسافر ساعت یازده به شهرش میرسد، ساعت ده میفهمد که ماه مبارک بوده، درحالیکه محل بحث ما این است که قبل از زوال میبیند و نمیداند ماه مبارک قبلش بوده یا نبوده. استقرار احکام تا ظهر را نمیتوان به اینجا سرایت داد. اگر «اذا رایتموه قبل الزوال» را نداشته باشیم، به صرف اینکه استقرار احکام روز تا ظهر است، نمیتوانیم بگوییم اگر قبل از زوال دید، روزه ماه رمضان را بگیرد. چون اصلاً معلوم نیست قبلش ماه رمضان بوده باشد. تمام مواردیکه برای استقرار احکام مثال میزنید، ماه رمضان ثابت است.

استاد: ببینید صحبت سر این است که وقتی ما قبل از زوال دیدیم، دیگر «هذا الیوم من الشهر الآتی». نه اینکه شما بگویید ماه مبارک نبوده. لحظاتش ماه مبارک نبوده، اما امروز «من الشهر الآتی». و لذا گفتم سه حرکت را با هم تطبیق بدهید. الآن نگویید امروز ماه مبارک نبوده، لحظات طلوع فجر تا ساعت ده صبح که رؤیت هلال کردید، آن لحظات هنوز ماه مبارک نبوده و شروع نشده بود. اما چون قبل از زوال دیدید، برچسب که میزنید میگویید «هذا الیوم من الشهر الآتی». یعنی دیگر الآن ماه مبارک هست و امروز هم روز اول ماه مبارک است. چرا آن وقت تمسک به اطلاق، مشکل شود؟! درحالیکه «هذا الیوم من الشهر المبارک».

شاگرد۲: بحث سر مطلقات بود. اگر این روایت نباشد، مطلقات به کدام تطبیق میشود. شما فرمودید این روایات متواتر با صرفنظر از روایات قبل از زوال، در کنار مراعی بودن... .

استاد: «اذا رایت فصم ایام الشهر»، الآن قبل از زوال که دیدید، چون قبل از زوال حکم مراعی است، فهذا الیوم من الشهر المبارک.

شاگرد۲: در مواردی مراعی است که ماه مبارک بوده.

استاد: برچسب زنی آن مراعی است.اصل احکام همین است. چرا این را عرض میکنم؟ چون ما ناچاریم هستیم از تطبیق سه حرکت زمانی؛ حرکت شمس، حرکت قمر و حرکت شبانهروز. اگر این روز ذاتاً برای ماه مبارک بود، حرف شما درست است. اما حرکت ذاتاً برای آن نیست. ما باید تطبیق بدهیم.

شاگرد۲: کسی که مسافر است و قبل از ظهر رسید، فرض در جای است که ماه مبارک بوده و نسبت به این شخص روزه فعلی نبوده. وقتی قبل از ظهر میرسد مراعی است و میتواند نیت روزه کند و کل روز را روزه بوده. ولی فرض ما در موردی است که در بعضی از ساعات روز ماه مبارک نبوده، نمیتوان این را با آن موارد قیاس کرد. آن موارد مراعی بود، یعنی نسبت به این شخص مراعی بود.

استاد: ببینید الآن ساعت ده صبح است، ماه دیده شد؛ یعنی ماه داخل شد. روی امروز چه برچسبی بزنیم؟ بزنیم سی ام شعبان یا اول ماه مبارک؟

شاگرد: عرف وقتی متواترات را ببینند می‌گویند چطور اگر بعد از ظهر دیدیم فردا را روزه می‌گرفتیم، حالا قبل از ظهر را هم می‌گوییم فردا روزه می‌گیریم.

استاد: با ملاحظه اینکه احکام برچسب زنی، مرایی است، یعنی می‌توان گفت که امروز هست یا نیست. یکی از احکام روز این است که بگوییم «هذا من الشهر المبارک». چرا؟ چون حرکت ذاتی نبود. اگر یوم ذاتی بود، نمی‌توانستیم این حرف‌ها را بزنیم. چرا؟ چون دست ما نبود. اما وقتی از تطبیق لابد هستیم، خلاصه باید روی امروز یک برچسبی بزنیم. شما می‌گویید برچسب ثلاثینی بزنیم اطلاق آن را نمی‌گیرد، برچسب اول بزنیم، اطلاق آن را می‌گیرد. ما می‌گوییم با اینکه می‌دانیم احکام برچسب زنی روز تا زوال مرایی است، الآن هم قبل از زوال است... .

شاگرد: از کجا می‌دانیم که تا زوال مرایی است؟

استاد: به‌خاطر اینکه وقتی بگوییم امروز چه؟ جاهایی که دست ذات خود روز نیست، باید احکام را بر آن جاری کنیم، برای ترتب عناوین بر این روز، نصف را در نظر می‌گیریم.

شاگرد: درجایی‌که نصف را در نظر می‌گیریم برای برچسب زنی ماه نیست، برای برچسب زنی روزه است؛ روزه بر کل روز برچسب می‌خورد. در آن مثال‌هایی که فرمودید جایی نبود که ماه روی این روز برچسب بخورد. همه موارد این بود که صوم به این روز برچسب می‌خورد. بحث ما سر این است که شهر رمضان روی این روز برچسب بخورد. آن مرایی، مراعای صوم است و این مراعای شهر است.

شاگرد۲: اینکه می‌گویند یک مورد نداریم که برچسب زده باشد، سال و ماه شمسی را چه کار می‌کنید؟

شاگرد: منظور من مثال شرعی بود.

شاگرد۳: برای روز آخر ماه مبارک، اگر بعد از زوال ماه دیده شود ولو بخشی از آن قطعاً از ماه خارج است، ولی آن روز دیگر روز ماه مبارک است. در اینکه کسی شک ندارد. در روز آخر برچسب ماه مبارک می‌خورد.

استاد: بله، ایشان می‌گویند در آخر ماه، بعد از زوالش مورد اتفاق همه است که اگر سیام ماه مبارک است و ساعت دو بعد از ظهر هلال را دیدی، شما از حیث برچسب زنی نمی‌گویید این تکه شد. می‌گویید امروز سیام ماه مبارک است.

شاگرد: ولی مرایی هم نیست. مرایی به این معنا که ما تا زوال صبر می‌کنیم، اگر قبل از زوال دیده شد برچسب ماه روی این روز می‌خورد. آن مرایی نیست که ما تا زوال صبر کنیم؛ ما تا دیدن ماه صبر می‌کنیم. اگر صبح دیدیم می‌گوییم فردا عید است، اگر بعد از ظهر دیدیم می‌گوییم فردا عید است. طبق نظر مشهور تا ظهر را مرایی نمی‌گیرند.

شاگرد۲: اگر زوال که شد استقرار پیدا می‌کند.

استاد: تفاوت خود حکم کافی است. ایشان می‌گویند بعد از زوال، اتفاق است بر اینکه برچسب می‌زنیم، اما قبل از زوالش اختلافی است. خود همین اختلاف بین فقها کاشف از این است که مرایی بودن و لامرایی بودن شامل برچسب زنی ماه هم می‌شود. مقصود ایشان این است.

حال قسمت اول فرمایش شما قبول است، یعنی شما می‌گویی دو رادی که آوردی که حکم تا زوال مرایع است، احکام مترتب بعد از تحقق موضوع و برچسب زنی روز است. این قبول است. ولی در اینجا اگر پذیرفتیم که اینطور رویه‌ای داریم که احکام مرایع است، می‌گوییم احکام احکامی است که مترتب بر موضوع است، احکامی است که خود موضوع را دارد محقق می‌کند. نظیرش که خود موضوع نصف باشد پیدا کنیم که مصداق فرمایش ایشان باشد. یعنی یک جایی باشد که خود عنوان روز...؛ برای تقویم گفتن خوب است. آن روشن است. ولی عرف بیرون عقلائی است، نه در شرع. در شرع در نصف شب یا در نصف روز.

> 40:39

شاگرد: درشرع هم ایشان(یکی دیگر از شاگردان) مثال خوبی زدند.

استاد: نه، آن از اصل اختلافی که فرمودند معلوم می‌شود که این دخالت دارد. اما ایشان می‌خواهند اطلاق را به‌طور مشترک در همه آن‌ها استفاده کنند. می‌گویند شما می‌خواهید به‌طور مشترک از «الصوم للرویة» اطلاقی بگیری که با فرمایش ایشان بگویی قید می‌زنیم که تا زوال مرایع است، پس قبل از زوال چون مرایع است، پس می‌گوییم «هذا الیوم من الشهر الآتی». ایشان می‌گویند ملازمه ندارد. اگر در برخی از جاها قبل از زوال احکامی مرایع است، آن احکام فرق می‌کند با اصل تحقق هذا الیوم من الشهر الآتی. این را از کجا می‌گویی که مرایع است؟ مرایع بودن آن جا، لازمه اش مرایع بودن این نیست. این فرمایش ایشان است.

شاگرد۲: وقتی شما این قرینه که احکام تا زوال مرایع است را به روایات اضافه می‌کنید نتیجه می‌گیری که اگر قبل از زوال هلال را دید، ماه رمضان شروع شده؟ از اضافه کردن آن قرینه به فهم ما از این روایت چه چیزی اضافه می‌شود؟

شاگرد: امکان شروع شدن دارد.

استاد: بله.

شاگرد۲: خب من عرض کردم اگر آن قرینه را هم اضافه نکنیم، خود این روایت ظهور در این دارد که الآن واجب است روزه بگیریم. خب وقتی واجب است روزه بگیریم اول ماه رمضان است. مثلاً فرض کنید قرینه‌ای که اضافه کردید را نداشته باشیم، روایت تنها می‌گوید «اذا رایتم الهلال فصوموا»....

استاد: الآن ایشان می‌گویند طبق نظر مشهور حتی اگر بگویی روایت می‌گوید واجب است روزه بگیری، اما روایت نمی‌گوید امروز اول ماه است.

شاگرد۲: آن روزی که واجب است روزه بگیرم واضح است؛ سی ام شعبان که واجب نیست. واضح است که اول ماه رمضان واجب است.

استاد: اگر بعد از ظهر دیدی چرا همین را نمی‌گویی؟

شاگرد۲: به قول شما با اجماع خارج شد، و الّا اگر بعد از ظهر هم ببینیم همین حرف را می‌زنیم.

استاد: یعنی روز بعد از ظهر هم روز اول ماه بود.

شاگرد۲: بله، یعنی اگر آن اجماع نبود، امام فرموده بودند اگر هلال را دیدی روزه بگیر، من هم تا حال که افطار نکردم، لذا واجب است بگیرم.

استاد: یعنی با اجماع بعد از ظهر را خارج میکنیم، با خود اطلاقش میگوییم ماه رمضان شروع شده، بهعنوان اینکه امروز روز اول است.

شاگرد۲: بله. میخواستم عرض کنم قرینهای که شما فرمودید لازم نیست اضافه شود. از خود روایت استفاده میشود. نیازی نیست اضافه کنیم چون احکام تا ظهر مراعی است، پس این نتیجه را میگیریم. بلکه از خود روایت این را میفهمیم.

استاد: این فرمایش شما حتی یک قول دارد که وحید هم فرموده بودند. قائل شدند که اگر قبل از زوال دیدی، شهر داخل شده اما روزه آن واجب نیست. تفکیک بین ترتب حکم وجوب صوم بر آن. این هم یک قولی در فرمایشات هست که بعداً بررسی میکنیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 29 آوریل 2026 12:57:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 آوریل 2026 12:59:29 توسط ... .